

## گزارش از وضع مزاج ماده شیر شاه و توقیف ۲۰ روزنامه



■ موضوع: سانسور در نشریات تهران قدیم  
 ■ ویژگی: حفظ موقعیت صاحبان قدرت

\*\*\*

صنعت چاپ و به دنبال آن حرفه روزنامه‌نگاری در ایران سوغات سفرهای اروپایی ناصرالدین شاه بود؛ پادشاهی که مشتاقانه دنبال شبیه‌سازی اوضاع فرهنگی دارالخلافه با پایتخت‌های اروپایی بود به صرافت توسعه مطبوعات افتاد، اما با همه این اشتیاق، تیغ سانسور ناظرانش و محدودیت‌ها از سوی او بر مطبوعات نیز حاکم بود.

بنا بر تعریف مهرشاد کاظمی، تهران‌پژوه در دوره ناصرالدین شاه قاجار روزنامه «دولت علیه» در تهران ۲ چاپ داشت؛ یکی اخبار کلی مملکت که بدون سانسور و بی کم و کاست به دست ناصرالدین شاه می‌رسید و او همه آن را مطالعه می‌کرد و چاپ دوم هم برای عموم مردم منتشر می‌شد و با توجه به جو فرهنگی و اجتماعی موجود، اجازه درج و انتشار هر خبری را نداشت.

کاظمی در این باره گریزی به سفرنامه مادام کارلا سسرنا، بانوی جهانگرد ایتالیایی می‌زند: «روزنامه دولت علیه ایران روزنامه‌ای کاملاً ابتکاری و نمونه است. انتشار آن از افتخارات و نتیجه افکار داهیانه سردبیر آن است و کاری است که انجام آن در ایران از هر جای دنیا سخت‌تر است؛ چون او در روزنامه‌اش نباید درباره بسیاری از موضوعات مطلب بنویسد؛ برای اینکه احساسات و زاری مختار کشورهای اروپایی مقیم تهران جریحه‌دار نشود، او نمی‌تواند درباره سیاست خارجی مطلب بنویسد. همچنین برای اینکه احساسات مسئولان کشوری جریحه‌دار نشود، نمی‌تواند درباره امور داخلی مطلب بنویسد، اما در عوض، او می‌تواند درباره سفر شاه به اطراف تهران،

می‌کند: «هر چند در اطلاعیه دولت پهلوی دوم در خصوص آزادی مطبوعات ادعا می‌شد که دولت آزادی مطبوعات را برابر قانون اساسی تضمین می‌کند و با تأکید بر درستی سیاست آزادی مطبوعات، تضمین می‌کند که در انجام وظایف قانونی کارکنان مطبوعات کشور هیچ‌گونه دخالت و اعمال نفوذ مستقیم و غیرمستقیمی از سوی دستگاه‌ها و مقامات دولت صورت نگیرد، اما این اطلاعیه، ادعایی بیش نبود. مطبوعات در دوران پهلوی دوم، طی بازه زمانی طولانی سعی داشت اعمال رژیم را توجیه کند. همچنین در مطبوعات هیچ‌گاه از مخالفان و حوادث و جریانات واقعی سیاسی حتی اسمی برده نمی‌شد؛ مگر زمانی که سخنان شاه علیه مخالفان منعکس می‌شد.»

شکارهای اعلی حضرت، وضع مزاجی ماده شیر عیز در دانه وی، مخصوصاً در موقع وضع حمل و صدها مطلب پوچ و بی‌معنی از این دست، هر قدر که بخواهد، با شرح و تفصیل هر چه تمام‌تر، قلم‌فرسایی کند.» اما قصه سانسور مطبوعات در دوران پهلوی اول با اجبار بیشتر پیش رفت و با قلع و قمع جراید باسلیقه و خواست حکومت همراه بود. به گفته این تهران‌پژوه، روزنامه‌ها و روزنامه‌نگاران زیادی که با خواست حکومت همسو نبودند و زاویه داشتند، توقیف یا سرکوب و همه مدبران جراید مجبور شدند برای درج هر گونه مطلبی در آغاز از شهربانی اجازه دریافت کنند.

کاظمی در بخش دیگر صحبت‌هایش از ادعای ظاهری آزادی مطبوعات در دوره پهلوی دوم یاد

### تشکیل نخستین دادگاه مطبوعاتی در تهران



■ موضوع: توقیف روزنامه روح القدس  
 ■ ویژگی: نخستین محکوم مطبوعاتی کشور

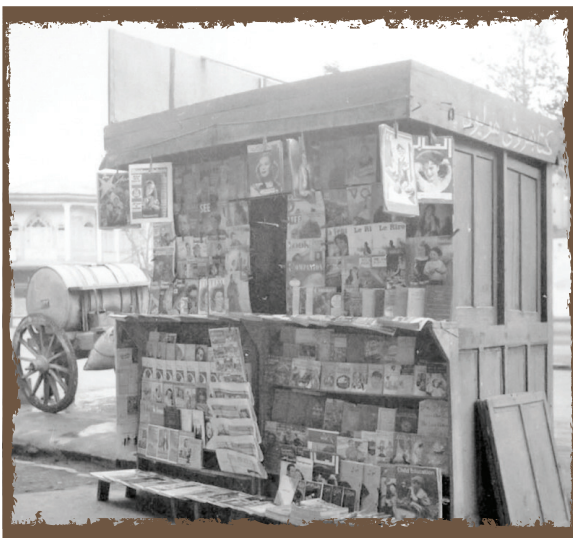
\*\*\*

اولین محاکمه مطبوعاتی ایران با توقیف روزنامه روح القدس در تهران رقم خورد. پس از ۱۳ شماره از انتشار روح القدس این نشریه به دستور محمدعلی شاه و توسط وزیر علوم و معارف به مدت ۲ ماه توقیف شد. علت توقیف روح القدس به انتشار مقاله‌ای در سیزدهمین شماره از این نشریه مربوط می‌شد که در آن از محمدعلی شاه انتقاد شده بود، اما پس از تشکیل دادگاه، حکم دیگر هم برای او بریدند که هر کدام مربوط به گوشه‌ای از مقاله‌های شماره‌های قبلی این نشریه بود. محمد بیطرفان، محقق و رئیس انجمن علمی تاریخ استان تهران، درباره این دادگاه می‌گوید: «در سرمقاله سیزدهمین شماره روح القدس (نطق غیبی یا اشاره لاریبی) نابسامانی‌های مملکت را با دوره ساسانی مقایسه کرده و محمدعلی شاه را به عنوان ریشه ظلم و خودکامگی به‌طور مستقیم خطاب قرار داده است. این سرمقاله به‌تنهایی ماهیت فکری و مبارزاتی گرداننده‌های این نشریه را در بر خود با استبداد نشان می‌داد. روح القدس یکی از تأثیرگذارترین، مهم‌ترین و به‌خصوص تندترین نشریات بعد از مشروطه بود که به همت شیخ احمد تربتی، معروف به سلطان‌العلمای خراسان، تأسیس و نخستین شماره آن مردادماه ۱۲۸۶ منتشر شد. این روزنامه در ۴ صفحه به قطع ۱۱×۵ به کشورهای دیگر چون روسیه نیز فرستاده می‌شد. نام شیخ احمد تربتی هم به خاطر انتشار این نشریه به روح القدس تغییر پیدا کرد. استادان او پدرش، روحانیان و علمای محلی تربت و نواحی مجاور بودند. او بعد از گذر ایامی به تهران مهاجرت و در مدرسه صدر به‌صورت طلبگی زندگی کرد. او در حوادث انقلاب مشروطه جزو معدود روزنامه‌نگارهای فعال و آگاه بود. روح القدس همانند میرزا جهانگیرخان شیرازی، بی‌پروا حقایق را می‌نوشت و با نهایت شهامت تا لحظه آخر بر سر عقاید خود باقی ماند. در نهایت نیز به دستور شاه محاکمه و در باغشاه اعدام شد.»

شماره نخستین روزنامه نگار شهید ایران



محمد ابراهیم رنجبر امیری از روزنامه‌فروشان قدیمی تهران



## قدیمی‌ترین روزنامه‌فروشان تهران و قیمت نجومی جراید

سال ۱۳۱۶ فروش روزنامه در تهران را شروع کرد. امیری که دومین جلد از مجموعه خاطرات یک روزنامه‌فروش را با نام «۷۶ سال با مطبوعات» نوشته خود را از نسل سوم روزنامه‌فروشان می‌داند. او در خاطراتش گفته: «تهران آن زمان ۵،۴ خیابان بیشتر نداشت؛ من آن زمان دکه نداشتم. روزنامه‌ها را زیر بغلم می‌گرفتم و هر قدر می‌توانستم چاخان، پاخان می‌کردیم تا روزنامه‌مان را بفروشیم! پس از آنکه روزنامه کیهان، فروش خود را به دست روزنامه‌فروشان سپرد، مدتی ما را جمع کردند و گفتند دوباره بر سه شما پول می‌دهیم تا نگویید «اطلاعات، کیهان» بلکه اول بگویید «کیهان» و بعد نام «اطلاعات» را بیاورید!»

محمد ابراهیم رنجبر امیری، قدیمی‌ترین فعال رسانه‌ای و روزنامه‌فروش ایران و جهان و رکورددار گینس، ۱۴ فروردین ۱۳۹۸ در ۹۲ سالگی درگذشت.

داشت و از این رو عامه مردم توان خرید آن را نداشتند. برای اینکه روزنامه چاپ شده روی دست نماند، اعضای دولت و صاحبان منصب به نوعی موظف شده بودند که این روزنامه را خریداری کنند.» اما توزیع روزنامه هم ماجراهای خواندنی دارد. مهرشاد کاظمی با استناد به پژوهش‌های تاریخی انجام شده در زمینه مطبوعات ایران می‌گوید: «پخش‌کنندگان روزنامه، برای کسب درآمد، روزنامه را به قیمت بیشتری فروختند. مأموران دولتی هم که مأمور توزیع روزنامه می‌شدند برای این کار انعام درخواست می‌کردند؛ به همین دلیل دولت سراغ بازاربان و به‌ویژه بلورفروشان رفت. میرسیدعلی بلورفروش، حاجی میر تقی تاجر تبریزی و حاجی ملا ابوالقاسم تاجر بلورفروش از بازاربانی بودند که در کنار کسب و کارشان، روزنامه‌فروشی هم می‌کردند.»

در میانه فروشندگان قدیمی روزنامه می‌توان از «محمد ابراهیم رنجبر امیری» نام برد. او از

■ موضوع: فروشندگان مطبوعات  
 ■ ویژگی: بلورفروشان روزنامه‌فروش شدند

\*\*\*

فروش روزنامه در روزگاری که نخستین گام‌های چاپ مطبوعات در ایران برداشته می‌شد، یکی از چالش‌های دوره قاجار به شمار می‌رفت. بهای روزنامه وقایع اتفاقیه ۱۰ شاهی بود و فروش آن به راحتی ممکن نبود. اجبار دولتی‌ها و صاحب‌منصبان دولتی به خرید روزنامه و تمسک به بلورفروشان برای فروش روزنامه، از موضوعات ویژه آن روزهاست که مهرشاد کاظمی، تهران‌پژوه، درباره آن توضیحات بیشتری می‌دهد: «در دوره قاجار عامه مردم از سواد خواندن بهره‌مند نبودند و از طرفی توان پرداختن بهای روزنامه را نداشتند. در آن دوران یک من گوشت، یک قران قیمت داشت و هر ۲۰ شاهی یک قران بود. هر شماره از وقایع اتفاقیه برابر نیم‌من (یک و نیم کیلو) گوشت بها